

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

دو مطلب در مورد بحث تشریح باقی مانده است.

بحث اول: آیا قبح تشریح و (بر فرض) حرمت مولوی تشریح، آیا این قبح و حرمت از تشریح، به خود فعل سرایت می کند و خود فعل را هم قبیح و حرام می کند و یا تاثیری بر روی فعل ندارد و فعل از عما هو علیه منقلب نمی شود. به عبارت دیگر قصد چه مقدار در عمل تاثیر می گذارد؟

مثلاً کسی فکر می کند نماز آیات تشریح نشده است ولی نماز آیات را هنگام زلزله می خواند؛ چنین شخصی فعلش مصداق تشریح است. (طبق آنچه که ما گفتیم)

حال سوال این است این شخص کارش (نماز آیات) درست بوده و طبق واقع بوده است آیا می شود گفت همین نماز آیات حرام و قبیح است به خاطر نیت تشریح یا نه؟

نکته: این بحث در تخری، قاعده احسان هم جاری است. دو نظر در مساله وجود دارد.

نظر اول: شیخ انصاری؛ ایشان می فرماید قبح تشریح به مورد تشریح سرایت می کند.

نظر دوم: عدم سرایت؛ ایشان می فرماید قبح فاعلی دارد اما فعل حسن است.

مرحوم نائینی: جانب شیخ انصاری را گرفته و فرموده حق با شیخ است و فرموده: من الممكن ان يكون قبح داعی موجياً

لانقلاب الفعل عما هو علیه. و ایشان نتیجه می گیرد قبح عقلی و حرمت تشریح سرایت به فعل می کند. مرحوم امام خمینی به

مرحوم نائینی اشکال می گیرد: اولاً: شما که فرمودید من الممكن، باید می فرمودید ممکن نیست چرا که هیچ عنوانی قبح و حسن

خود را به عنوان دیگر نمی دهد بلکه اگر ذیل آن عنوان بیاید آن عنوان هم پهن می شود روی معنون. به عبارت دیگر عناوین به

چیز دیگری سرایت نمی کند؛ و فعل هم از عما هو علیه منقلب نمی شود.

اشکال دوم: جناب نائینی چطور شد که شما از امکان شی، فعلیت را فهمیدید.

بله از وقوع، فعلیت فهمیده می شود اما از امکان، فعلیت فهمیده نمی شود؛ از اخص می شود به اعم رسید اما عکسش صحیح

نیست. استاد علیدوست: به نظر می رسد اصل این کبری- عناوین سرایت نمی کنند- تردید ناپذیر است و همچنین اینکه از اعم

نمی شود به اخص رسید هم صحیح است؛ اما عرض ما این است (نظر سوم) قبح و حرمت یک عمل به عمل دیگر سرایت نکند

مگر به اینکه عنوان آن عمل به دیگری تطبیق بکند این سرایت نیست بلکه انطباق است. این درست است. آیا می شود انکار کرد

که قبح یک عمل و حرمت او باعث انقلاب یک عمل دیگر عما هو علیه شود ولو موجب حرمت و قبحش نشود؟

در مثال خودمان: کسی با علم به اینکه نماز آیات تشریح نشده نماز آیات هنگام خورشید گرفتگی می خواند؛ آیا می شود گفت این

فعل از عما هو علیه (واجب بودن، دارای مصلحت ملزمه) خود تغییر نکرده است؟!

بله نمی توانیم بگوییم این فعل (نماز آیات) دارای مفسده و حرمت است ولو اینکه قصد شخص سوء بوده است

اما محضر امام خمینی عرض می کنیم وقتی فعل تبدیل به مفسده نشده و... می توانیم بگوییم فعل لا ینقلب علیه است.

نتیجه ما: قصد و عنوان چه بسا فعل را از عما هو علیه بیرون می کند اما الزاماً هم به قبح و حرمت نمی رساند.

در خلاصه تحقیق باید گفت: حرمت و قبح مثل تشریح، به مورد آن سرایت نمی کند هر چند ممکن بلکه واقع است که گاهی مغیر

جهات و موجب سلب حکم و سلب مصلحت فعل می گردد مگر اینکه به خاطر این تغییر جهت عنوان خاص محرمی بر آن بار

شود.

نکته: در استفاده از تقریرات باید نظر بزرگان را از این تقریرات در آورد مگر اینکه مقرر از مبنای محکمی بر خوردار باشد. لذا برای من بسیار مشکوک است که مرحوم نائینی از امکان بخواهد به فعلیت برسد و من این را نمی توانم بپذیرم گرچه در تقریرات ایشان این کلمه آمده است. به نظر می رسد که نائینی این طور فرموده که بعضی وقت ها نفس امکان از بعضی از کلمات مرحوم امام خمینی بر می آید که به نحو کلی ایشان می فرماید: لا یسری اما از برخی کلمات امام برمی آید گاهی یسری و گاهی لا یسری.

آخرین بحثی که در این رابطه داریم این است که آیا درک عقل (حکم عقل) به قبح تشریح طریقی است یا غیر طریقی است؟ آقایان گویند اگر کسی در شرایط خوف سفر کند نمازش کامل است حال سوال این است، اگر کسی بعد از رسیدن به مقصد بفهمد که خوف خود بی مورد بوده آیا باید نماز را کامل بخواند یا شکسته؟

خوف سفر، قبح را به دنبال داشت و قبح، حرمت را به دنبالش آورد و حرمت سفر هم سبب کامل شدن نماز شد حال سوال این است قبح عمل به مسافرت طریقی است؟ که در این صورت با انکشاف باطل می شود اما اگر گفتیم موضوعی است با کشف خلاف حکم عوض نمی شود.

در تشریح چطور؟ آیا با کشف خلاف درک عقل از بین می رود یا نه؟

**الحمد لله رب العالمین**